

رمضان ماه عبادت و تقويم عبادی مومنان

رمضان ماه عبادت و تقویم عبادی مومنان

این ماه به نام خداست همان طوری که کعبه به نام خداست و آن سرزمین، سرزمین ضیافت است این ماه هم ماه خداست این زمان، زمان ضیافت است آن زمین، زمین ضیافت است کسانی که توفیق حج یا عمره را دارند مهمانان خدای سبحان اند که در آنجا از حاجیان و معتمران به عنوان ضیوف الرحمان یاد می شود در ماه مبارک رمضان هم که به عنوان شهر ضیافت است از روزه دارها به عنوان ضیوف الرحمان یاد می شود سنایی می گوید کعبه احتیاجی به پرده های ابریشمی ندارد کعبه را با این پرده ها زیور ندهید کعبه نیازی به ابریشم ندارد جمال کعبه به چیز دیگر است.

منبع : javadi.esra.ir ,

فرا رسیدن ماه مبارک رمضان است در این جهت هر کسی به اندازه هاضمه فکری خودش ضیافت الهی را درک می کند اگر سفره ای پهن شد مائده و مآذبه ای پهن شد و عده ای دعوت شدند هر کسی به اندازه هاضمه خود از آن غذا استفاده می کند کسی که ظرفیت بیشتری دارد بیشتر مصرف می کند کسی که ظرفیت کمتری دارد کمتر، ماه مبارک رمضان ماه مهمانی خداست. در نوبت های قبل شاید به عرضتان رسیده باشد که هر کسی سالی دارد سال تحصیلی مشخص است از چه وقت شروع می شود و چه وقت ختم می شود کشاورزان هم سالی دارند پاییز [آغاز] سال کشاورزی و کشاورزان است بهار اول فروردین [آغاز] سال طبیعی محسوب می شود که آن برای حیات گیاهی اثر دارد هر کسی سالی دارد آنها که اهل سیر و سلوک اند درصدد تهذیب نفس اند آنها هم سالی دارند سال آنها از ماه مبارک رمضان شروع می شود و ماه شعبان تمام می شود این سالکان در ماه شعبان خیلی تلاش و کوشش می کنند که تمام آن مشکلاتشان را حل کنند که وقتی وارد ماه مبارک رمضان می شوند دیگر مشکل اخلاقی نداشته باشند اگر بزرگانی مثل حافظ و امثال حافظ از ماه شعبان خیلی با جلال و شکوه یاد می کنند سرّش همین است او می گوید:

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید*** از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد [1]
یعنی ماه شعبان، ماه آخر سال است جایزه ها را در آخر سال می دهند کارنامه ها را در آخر سال می دهند برنامه های سال را در آخر سال ارزیابی می کنند می گوید این ماه شعبان را از دست مده اگر از دست دادی وارد ماه مبارک رمضان شدی در ماه مبارک رمضان، رمضان خبری از جایزه نیست شب و روز این ماه مبارک رمضان باید تلاش و کوشش کنی تا شب عید رمضان که لیلۃ الجوائز است یا روز عید فطر که یوم الجوائز است آن وقت نتیجه کار شما را نظیر این امتحانات میان دوره ای به شما بدهند

ماه شعبان منه از دست قدح کاین خورشید*** از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
وقتی شب عید رمضان شد آن شب عید فطر لیلۃ الجوائز است روز عید فطر یوم الجوائز است آن وقت می گویند:

روز عید است و من امروز در آن تدبیرم*** که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم [2]

یک خطبه نورانی از وجود مبارک رسول گرامی به ما رسید این خطبه هم از نظر محتوا خیلی بلند است هم از نظر سند، سندش بعد از بزرگان رجال می رسد به وجود مبارک امام هشتم از امام هشتم تا پیامبر همه شان معصوم اند در آخرین جمعه ماه شعبان وجود مبارک رسول گرامی فرمود مردم ماه خدا به طرف شما آمده به استقبال این ماه بروید «**قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ**» [3] این ماه به نام خداست همان طوری که کعبه به نام خداست و آن سرزمین، سرزمین ضیافت است این ماه هم ماه خداست این زمان، زمان ضیافت است آن زمین، زمین ضیافت است کسانی که توفیق حج یا عمره را دارند مهمانان خدای سبحان اند که در آنجا از حاجیان و معتمران به عنوان ضیوف الرحمان یاد می شود در ماه مبارک رمضان هم که به عنوان شهر ضیافت است از روزه دارها به عنوان ضیوف الرحمان یاد می شود سنایی می گوید کعبه احتیاجی به پرده های ابریشمی ندارد کعبه را با این پرده ها زیور ندهید کعبه نیازی به ابریشم ندارد جمال کعبه به چیز دیگر است «یای بیتی جمال کعبه بس است» کعبه یک یاء دارد که خدای سبحان به ابراهیم و اسماعیل (سلام الله علیهما) فرمود: ﴿أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي﴾ [4] خانه مرا پاک کنید کعبه نیازی به ابریشم ندارد «یای بیتی جمال کعبه بس است» این یک دانه یاء برای ماه مبارک رمضان هم هست که شما می گوید «**قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ**» این دو، این یک یاء برای انسان هم هست که فرمود: ﴿تَقَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ [5] اگر انسان حرمت این اضافه تشریفی را رعایت کند قدر این یاء را بداند همتای کعبه می شود همتای ماه مبارک رمضان می شود آن وقت سنایی می گوید:

تو فرشته شوی از جهد کنی از پی آنک *** برگ توت است که گشتست به تدریج اطلس [6]
 حالا ما که وارد مهمانی خدای سبحان می شویم چه غذایی به ما عطا می کند که ما سیر بشویم مستحضرید که ما هیچ سیر نمی شویم یعنی هیچ کسی در جهان سیر نخواهد شد اگر کسی دنبال مال باشد هر چه فراهم کرد باز جهنمی در درون اوست هرگز سیر نمی شود به هر مقامی برسد سیر نمی شود این حق با اوست برای اینکه انسان، خواهان کمال مطلق است اما آن کمال مطلق در غیر ذات اقدس الهی حاصل نیست انسان باید به جایی برسد که سیر بشود و آن لقای خداست آن چون محبوب مطلق است جمال محض است کمال محض است انسان وقتی به لقای او رسید آرام می شود از بهشت به عنوان دارالقرار یاد می کنند ما تا به لقای حق نرسیدیم در راهیم در مفریم نه در مقرّ، وجود مبارک حضرت مطالبی فرمود که به درد اوساط می خورد به درد ضعاف می خورد به درد خواص می خورد به درد اخص می خورد ما را به روزه گرفتن دعوت کرده است به انفال دعوت کرده است به خیرات دعوت کرده است اینها حرف های متوسط است که حضرت در همین خطبه پایان ماه شعبان بیان کردند. بعد فرمود بسیاری از شماها بدهکاری معنای دین این است که اگر کسی **حَقَّ اللَّهُ، حَقَّ النَّاسِ** اینها در ذمه اوست این بدهکار است بدهکاری مالی مثل خمس و زکات و اینها ساده است و خیلی سهل است اما حضرت فرمود شما بدهکاری آنجا که فکر بد کردید آنجا که خیال بد کردید آنجا که نگاه بد کردید آنجا که حرف ناصواب گفتید یا شنیدید این مجاری ادراکیتان و تحریکیتان بدهکار است یا **حَقَّ اللَّهُ دَارِيْدُ يَا حَقَّ النَّاسِ** یا هر دو، هر بدهکاری باید وثیقه بسپارد گرو بسپارد این هم دو مطلب. ما که بدهکاریم به خدا بدهکاریم به دین بدهکاریم چه چیزی گرو بدهیم که از ما بپذیرند در مسائل مردمی اگر کسی به دیگری بدهکار بود خانه اش را فرشش را زمینش را گرو می سپارد اما اگر کسی به خدا بدهکار بود چه چیزی را باید گرو بدهد خدا مال و منال که گرو نمی پذیرد خود انسان را گرو می گیرد وقتی خود انسان گرو گرفته شد انسان می شود در رهن، رهن یعنی گرو این دو بخش از قرآن کریم که گاهی ﴿رَهِيْنَةٌ﴾ گاهی ﴿رَهِيْنٌ﴾ دارد ناظر به همین است ﴿كُلُّ امْرِئٍ يَمَّا كَسَبَ رَهِيْنٌ﴾ [7] (یک) ﴿كُلُّ نَفْسٍ يَمَّا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ﴾ [8] (این دو) این

«رهین» فعیل به معنی مفعول است یعنی هر انسان گنہکاری مرهون است آن کالای رهنی را آن عین را می گویند عین مرهونه وقتی انسان مرهون شد در گرو شد دیگر آزاد نیست اینکه می بینید بعضی ها می گویند من هر چه می خواهم زبانم را کنترل کنم نمی توانم یا چشمم را کنترل کنم نامحرم را نبینم نمی توانم یا نمی توانم حرف هایم را کنترل کنم این بیچاره راست می گوید چون در گرو است این معتاد بیش از دیگران کارتن خواب را، فلاکت و بدبختی را می بیند شما می خواهید با نصیحت، یک معتاد را هدایت کنید اینکه بیش از شما آشناست و دارد می بیند این در بند است اندیشه اش آزاد است ولی انگیزه اش در رهن است در بند است آن کار اساسی را این بخش های اراده و نیت و تصمیم و قصد و اخلاص انجام می دهند بخش وسیع حیات ما به انگیزه وابسته است عزم یعنی عزم، جزم یعنی جزم آنچه از حوزه و دانشگاه برمی آید تدریس جزم است تصوّر است تصدیق است موضوع است محمول است مسئله است مبادی است یعنی علم، این بخش ضعیفی از زندگی را تأمین می کند بخش اساسی آن به عهده اراده است اراده و اخلاص و نیت این اگر به بند کشیده شد انسان در گرو است مرحوم صدوق (رضوان الله علیه) ابن بابویه در کتاب قیم توحید نقل می کند که کسی از وجود مبارک امیرمؤمنان (سلام الله علیه) سؤال کرد من هر چه می خواهم نماز شب بخوانم نمی توانم فرمود تو در بندی «قیدتک ذنوبک» گناه تو را به بند کشیده لذا نمی توانی [برای نماز شب] برخیزی این بیان نورانی حضرت این است که مردم! «إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُوهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ» [9] مردم! شما در بندید بدهکاری شما را به گرو گرفتند بیاید ماه مبارک رمضان خودتان را آزاد کنید آن وقت یک انسان آزاد در کمال آسودگی از نامحرم می گذرد از زیرمیزی و رومیزی می گذرد نه بیراهه می رود نه راه کسی را می بندد نه دروغ می گوید نه خلاف می گوید هیچ جا آبروی نظام اسلامی و خون های پاک شهدا را نمی ریزد فرمود بیاید خودتان را آزاد کنید شما ببینید مشکلات این مملکت الآن چیست در بند بودن ماست فرمود بیاید خودتان را آزاد کنید شما که می دانید رشوه حرام است می دانید اختلاس حرام است اینها را که می دانید، می دانید پایانش جهنم است می دانید آبروریزی دارد خب بیاید خودتان را آزاد کنید تا انسان آزاد نشد همین است بالأخره دست و پا می زند کسی که در بند است فرمود بیاید فک رهن کنید بیاید خودتان را آزاد کنید آن گاه همین مکتب است که می گوید:

غلام همّت آنم که زیر چرخ کبود*** ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است [10]

این برای خواص، «ز هر چه رنگ تعین پذیرد» این برای اخص؛ «ز هر چه رنگ تعین پذیرد آزاد است» آن وقت انسان می شود آزاد. اگر این راه برای ما در ماه مبارک رمضان باز است آن وقت چرا خودمان را ارزان بفروشیم.

بارها به عرض دوستان رسید این حرف، زیر این آسمان فقط برای انبیاست شما ببینید در غیر سخنان انبیا احدی آمده این حرف را زده؟ آن حرفی که انبیا آوردند این است مرگ پدیده ای است که بالأخره انسان با آن درگیر است هیچ کسی نمی تواند بگوید مرگی در کار نیست اما همه حرف ها این است که ما در مصاف با مرگ که دست به گریبان می شویم ما مرگ را می میرانیم یا او ما را می میراند به استثنای اوحدی از اهل نظر خیال می کنند انسان می میرد اما حرفی که انبیا آوردند این است که انسان مرگ را می میراند ما می میریم که بر او پیروز می شویم او را چماله و مچاله می کنیم و دور می اندازیم و برای ابد زنده ایم تعبیر قرآن کریم این نیست «كُلُّ نَفْسٍ يَدُوْقُهَا الْمَوْتُ» هر کسی را مرگ می چشد تعبیر قرآن این است «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةٌ الْمَوْتِ» [11] هر کسی مرگ را می چشد خب روشن است که هر ذائقی مذوق را هضم می کند شما یک لیوان آب یا شربت نوشیدید شما او را هضم می کنید نه او شما را. اگر ما آن قدر قدرتمندیم که مرگ را می میرانیم و ابدی می شویم و مرغ باغ ملکوتیم اگر ما این هستیم چرا

قدر خود را ندانیم اگر ما ابدی هستیم برای ابد چه ذخیره ای فراهم کردیم ماه مبارک رمضان ماه این حرف هاست اساس کار این است که ما فک رهن کنیم به مقام آزادی برسیم بشویم موحد، اگر موحد شدیم فقط او را می پرستیم هر کسی به اندازه خود باید بکوشد که - ان شاءالله - از حریت و آزادی که از بهترین نعمت های الهی است متنعم شود!

پی نوشت ها

- [1] دیوان حافظ, غزل 164.
- [2] دیوان حافظ, اشعار منتسب, شماره 17.
- [3] الامالی (شیخ صدوق), ص93; عیون اخبار الرضا, ج1, ص295.
- [4] سوره بقره, آیه 125.
- [5] سوره حجر, آیه 29; سوره ص, آیه 72.
- [6] دیوان سنایی, قصیده 90.
- [7] سوره طور, آیه 21.
- [8] سوره مدثر, آیه 38.
- [9] عیون اخبار الرضا, ج1, ص296.
- [10] دیوان حافظ, غزل 37.
- [11] سوره آل عمران, آیه 185; سوره انبیاء, آیه 35; سوره عنکبوت, آیه 57.